جلسه 46-672

**یک‌شنبه - 06/10/94**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

راجع به بطلان عبادت مخالف به نظر ما دلالت و الله شانئ لاعماله تام بود. و در عین حال راجع به احرام مخالف عرض کردیم سابقا که ممکن هست بگوییم موضوع آثار الزامی هست؛ محرمات احرام بر او حرام می‌شود و دیگران هم تا او اعمال صحیح به نظر خودش انجام ندهد معامله محرم باید با او بکنند. این مطلب بعید نیست و دلیل بر صحت عبادت مخالف مطلقا نمی‌شود؛ چون یک دلیلی است خاص به مورد حج، کشف نمی‌شود از آن صحت عبادت مخالف مطلقا.

راجع به آن صحیحه‌ای که می‌فرمود کل عمل عمله فی حال نصبه و ضلالته فانه یؤجر علیه الا الزکاة فانه وضعها فی غیر موضعها یعنی اعطاه لغیر الولایة و اما الصلاة و الصیام فلایجب قضائهما ما معتقدیم که این تفضل است و الا اصلا عادة عبادت مخالف شرائط صحت را ندارد. نمازی که می‌خواند حتی بگوییم که ولایت شرط متاخر صحت عبادت است و این مخالف که مستبصر می‌شود در آخر عمرش، شرط متاخر، صحت عبادات سابقه است و لکن صحت عبادات سابقه فرع بر این هست که شرائط قابلیت صحت را داشته باشد. وضوئی که می‌گیرد مخالف، مشکل دارد.

این‌که آقای سیستانی در بحث اجزاء فرمودند عامه عادة اخلال به سنن می‌ورزیدند نه اخلال به شرائط، وضوء می‌گیرند وضوءشان اخلال به سنن است چون دست‌شان را از پائین به بالا می‌شورند این در قرآن منع نشد مسح به آب جدید می‌کشند در قرآن منع نشده، و لذا اخلال به فرائض چون نمی‌کنند السنة لاتنقض الفریضة.

[سؤال: ... جواب:] پای‌شان را می‌شورند ولی دست هم می‌کشند عادة. یعنی هم غسل است هم مسح به ماء جدید است.

اما عرض بنده این است که گیرم این مطلب درست باشد، و این‌ها اخلال به سنت بورزند نه به فریضة اما السنة لاتنقض الفریضة شامل این‌ها نمی‌شود چون این‌ها جاهل مقصرند نه جاهل قاصر. شما راجع به شیعه که اخلال بکند به سنن می‌گویید اگر جاهل قاصر باشد مشمول السنة لاتنقض الفریضة است و الا اگر از روی جهل تقصیری مسح بکند بماء جدید، اخلال بورزد به شرطیت بدء من الاعلی الی الاسفل از روی جهل تقصیری وضوئش باطل است. مخالف که نوعا مخصوصا در زمان ائمه مخالفین جاهل مقصر بودند. مگر جاهل مقصر کیست؟ یعنی در طول عمرش احتمال نداده...

[سؤال: ... جواب:] اهل حجاز آن‌هایی که می‌دیدند به ائمه ظلم می‌شود احتمال نمی‌دادند که حق با ائمه باشد؟ خود این صحیحه می‌گوید کل عمل عمله فی حال نصبه و ضلالته؛ جاهل مقصر است کسی که ناصب و ضال هست.

و لذا به نظر ما این صحیحه که می‌گوید کل عمل عمله فی حال نصبه و ضلالته فانه یؤجر علیه این تفضل است و الا این نمازی که او می‌خواند حتی با شرط متاخر ولایت هم درست نمی‌شود؛ چون نمازی می‌خواند که طبق مذهب ما صحیح نیست؛ وضوئی می‌گیرد که طبق مذهب ما صحیح نیست. تفضلا می‌گویند قضاء ندارد. ثواب می‌دهند بر آن اعمال که به نظر خودتان صحیح بود به شرط متاخر استبصار.

[سؤال: ... جواب:] صحیح باشد نزد خودشان کافی است برای این‌که قضاء نداشته باشد. نمی‌شود از این صحیحه استفاده کرد صحت عمل مخالف را. من این را عرض می‌کنم. قضاء ندارد صحیح نیست و لکن استبصار متاخر، مسقط قضاء است. فقط زکات چون حق الناس است، و وضعها فی غیر موضعها باید اعاده کند. اما نماز حق الله است حالا وضوء باطل گرفته طبق مذهب خودش صحیح بوده، قضا ندارد. شرط متاخر ثواب هم هست این استبصاری که و لو در آخر عمر پیدا کند.

[سؤال: ... جواب:] احسنتم. این اتفاقا مؤید عرض ما است. این‌ها نوم را ناقض نمی‌دانند مگر نومی که استلقائا باشد دراز بکشد که قدرت ماسکه‌‌اش را از دست بدهد و الا نشسته بخوابد می‌گویند این مبطل وضوء نیست. اما مس العضو التناسلی یا دست زدن به همسر موجب بطلان وضوء است. آقای سیستانی قبول دارد کسی که خواب برود انتقض وضوئه و الان که نماز می‌خواند نمازش بدون طهارت است. بعدش هم روایت تفسیر کرده آیه اذا قمتم الی الصلاة را موثقه ابن بکیر گفته یعنی اذا قمتم من النوم. وقتی روایت تفسیر کرده، آیه می‌شود فریضة الله. حالا ایشان این جهت را فرض نکردند که خواب می‌روند باز هم بلند می‌شوند یعنی در همان حال نشسته خواب می‌روند بعد نماز می‌خوانند بدون تجدید وضوء، آن را ایشان فرض نکرده. این اخلال به سنن در اجزاء و شرائط را فرض کرده که این را ما عرض می‌کنیم این‌ها اصلا جاهل قاصر نیستند.

این راجع به صحیحه محمد بن مسلم و ایرادهایی که به این صحیحه گرفته شد.

در مورد عبادت مخالف روایات دیگری هم هست؛ من زیاد معطل نمی‌کنم در حد اشاره اجمالیه به برخی از این روایات که مطلب ناقص نماند بحث را تمام می‌کنیم.

در مورد حج روایت داریم که فرمود لایحج لله الا الموالی. مضمون روایات. مثلا معتبره عمرو بن ابان کلبی فرمود: ما اکثر السواد و ما حج لله غیرکم. یا لیس لله حاج غیرکم. این روایات که می‌گوید غیر از شما حاجی پیدا نمی‌شود، ممکن است بگوییم چون دارد لیس لله حاج غیرکم، یعنی عندالله این مخالفین حاج نیستند؛ یعنی حاج به معنای واقعی کلمه نیستند. ولی حاج به معنای این‌که امتثال شکلی کردند امر به حج را، حاج هستند، ولی ما حج لله غیرکم، این‌ها حاج نزد خدا نیستند. ظهور ندارد در این‌که به عنوان یک حکم فقهی این‌ها حج‌شان صحیح نیست.

روایت دیگر دارد که أثافیّ الاسلام ثلاثة اسلام سه پایه دارد الصلاة و الزکاة و الولایة. لاتصح واحدة منها الا بصاحبتها. اسلام سه پایه دارد زکات و نماز و ولایت. هیچکدام از این سه تا صحیح نخواهد بود مگر با این‌که در کنارش دو تای دیگری باشد. یعنی صلاة و زکات صحیح نیست مگر ولایت در کنارش باشد.

سند این روایت ضعیف است محمد بن عبدالرحمن عزرمی است که توثیق ندارد. علاوه بر این‌که ما قرینه داریم در روایت که این روایت باید توجیه بشود. چرا؟ برای این‌که در خود روایت صلاة و زکاة‌ و ولایت شمرده شده حالا اگر من ولایت دارم صلاة دارم زکات نمی‌دهم، صحیح نیست نمازم؟ این را فقیهی ملتزم نشده که شرط صحت صلاة اعطاء زکات است. یا کسی ولایت دارد زکات هم می‌دهد نماز نمی‌خواند، بگوییم زکاتی که می‌دهد صحیح نیست باید اعاده کند کسی این را نگفته. تعبیر این است که لاتصح واحدة منها الا بصاحبتیها. این را باید توجیه کنیم بگوییم مراد از صحت مرتبه عالیه‌ای است که حالا یا منشأ استحقاق ثواب است یا کمال است مثل لاصلاة لجار المسجد الا فی المسجد نفی صحت هم نفی کمال است.

آخرین دلیل روایاتی است که مفادش این است که سواء علیه صلی او زنی. برخی به این روایات استدلال کردند که مخالف عبادتش باطل است. این روایات معمولا راجع به ناصب است. راجع به ناصب ما روایاتی داریم هم در کافی هست هم در ثواب الاعمال که خدمت‌تان عرض می‌کنم.

کافی طبع دارالحدیث جلد 15 صفحه 383: عدة من اصحابنا عن سهل بن زیاد عن ابن فضال عن حنان عن ابی عبدالله علیه السلام لایبال الناصب صلی ام زنی و هذه الآیة نزلت فیهم عاملة ناصبیة تصلی نارا حامیة.

اینها موضوعش ناصبی است. و ربطی به مخالف ندارد. حالا توجیهش چیست عرض می‌کنم. در ادامه بحث عرض می‌کنم.

برخی از روایات در مطلق مخالف این تعبیر آمده:

در بحار می‌گوید: من لم‌یعرف هذا الامر صلی ام صام ام سرق. بحار این را از ثواب الاعمال صدوق نقل می‌کند. موضوعش هم می‌شود من لم‌یعرف هذا الامر. ولی در خود ثواب الاعمال که مراجعه می‌کنیم می‌بینیم که روایت این طوری است؛ مراجعه بفرمایید ثواب الاعمال صفحه 211 سواء علی من خالف هذا الامر صلی ام صام و فی حدیث آخر قال الصادق علیه السلام الناصب لنا اهل البیت لایبالی صام او صلی او زنی او سرق. ببینید ظاهرا علامه مجلسی بین این دو حدیث خلط کرده. این‌که سواء علی من خالف هذا الامر صلی ام صام او سرق این نیامده در ثواب الاعمال. ایشان دارد از ثواب الاعمال نقل می‌کند در ثواب الاعمال این‌طور نیست.

اگر بگویید علامه مجلسی تصحیح کرده یا سند صحیح داشته چون نمی‌شود صلی ام صام ناقص بماند،‌ تتمه‌ای دارد. تتمه‌اش این است ام سرق. جواب این است: نه، سواء علی من خالف هذا الامر صلی ام صام حذف ما یعلم جایزٌ. می‌شود صلی ام صام ام لا. فرقی نمی‌کند برای کسی که مخالف اهل بیت است مخالف امامت اهل بیت است، نماز بخواند یا روزه بگیرد ظاهرش این است که یا نخواند. می‌گوید به یک کسی که خیلی گناهکار است و قاتل نفوس ؟؟؟ است شما می‌گویید به حالت فرق نمی‌کند مکه بروی یا کربلا بروی یعنی چی؟ قرینه است یعنی مکه بروی یا کربلا بروی یا نروی.

[سؤال: ... جواب:] آن‌وقت ذکر نشده، از جیب‌مان بگذاریم. این‌که نمی‌شود. گفت یک آقایی رفت منبر قضیه حضرت علی را با عمرو بن عبدود که می‌گفت گفت حضرت علی عمرو بن عبدود را زمین زد عمرو بن عبدود گفت هوم حضرت علی هم عذر می‌خواهم گفت کوفت. این را ظاهرا امام نقل کرده بودند از کسی. گفتند بعد آمد پائیین به این آقا گفتند این‌ها کجا بود. گفت معلوم است. حضرت علی عمرو بن عبدود به این سنگینی را زمین می‌زند او اصلا ناله نمی‌کند؟ نمی‌شود. پس یک ناله‌ای کرده. او هم ناله بکند حضرت علی هیچ چیز به او نگوید؟ این هم نمی‌شود. نمی‌شود ولی حضرت این‌ها را گفته. صلی ام صام گیرم نمی‌شود باید یک تتمه‌ای داشته باشد تتمه‌اش این است که ام زنی ام سرق؟ حسی که نیست شهادت علامه مجلسی. علامه مجلسی که سند حسی ندارد به کتب اصحاب.

بله اگر نظر آقای خوئی را قائل شدید نظر مرحوم استاد را قائل شدید که علامه مجلسی و صاحب وسائل و صاحب وافی این سه نفر سند صحیح دارند به نسخ کتب، اگر این را بگویید بله این یک حرفی است. اما ما قرائن عدیده‌ای ذکر کرده‌ایم وفاقا للسید الزنجانی و السید السیستانی که این مطلب درست نیست. علامه مجلسی هم همین کتاب‌هایی که خطی بوده می‌رفته از جاهای مختلف تهیه می‌کرده و با قرائن وثوق به اتقان نسخه پیدا می‌کرده. صاحب وسائل هم همین‌طور؛ صاحب وافی هم همین طور. قرائنش را در جای خودش مفصل ذکر کردیم. و لذا اشکال اول این است که این روایت ربطی به مخالف ندارد.

بله آن سواء علی من خالف هذا الامر صلی ام صام هست؛ آن‌هم بیش از این ظهور ندارد که به حالش نفعی ندارد. یعنی ثواب به او نمی‌دهند. سندش هم ضعیف است.

[سؤال: ... جواب:] و بهذا الاسناد که اسناد ضعیفی است در حدیث قبل سند، مجهول است. عن حنان بن سدیر قال سمعنا اباجعفر علیه السلام یقول ان عدو علی لایخرج من الدنیا حتی یجرع جرعة من الجحیم و قال سواء علی من خالف هذا الامر صلی ام صام. و فی حدیث آخر قال الصادق علیه السلام الناصب لنا اهل البیت لایبالی صام او صلی او زنی او سرق.

 اما بر فرض روایت این‌طور باشد که سواء علی من خالف هذا الامر صلی ام صام ام زنی ام سرق،‌ این روایات حتی در مورد ناصب که هست این‌ها قطعا باید توجیه بشود. خلاف ارتکاز قطعیه متشرعی است بگوییم: شما چه بروی نماز را بخوانی روزه را بگیری چه بروی زنا بکنی و دزدی بکنی هر دو یک حکم دارد. یعنی نه این‌که نماز بخوانی و نخوانی یک حکم دارد. یا حتی بگوید اگر نماز بخوانی مثل نماز ریایی که کار حرامی کردی، غیر از ترک واجب ریاکار گناه هم می‌کند یعنی اگر نماز نمی‌خواند بهتر بود. ریاکار اگر نماز نخواند بهتر است چون نماز نخواند ترک واجب کرده اما ریاء نماز بخواند گناه هم کرده؛ گناه ریاء. یعنی هم می‌شود ترک واجب هم ارتکاب حرام. باز ممکن بود این را کسی بگوید و لو قبلا گفتیم این هم خلاف ارتکاز متشرعی است راجع به مخالفین. ولی بیایید بگویید سواء علیه صلی ام زنی؟

[سؤال: ... جواب:] این‌که محتمل نیست فقهیا. سیئة تسوءک خیر عندالله من حسنة تعجبک این یعنی نتیجه آن سیئة توبه است ولی نتیجه آن حسنه‌ای که عجب آورد بالمآل ممکن است در معرض سقوط باشی و الا عجب که حرام نیست. بر فرض عجب حرام باشد مطلق سیئة [مراد است]؟ یعنی نعوذ بالله برود مرتکب فواحش بشود بعد توبه کند خیر از این‌که یک احسانی کرد بعد گفت که الحمدلله خدا به ما توفیق زیاد داده. حسنة تعجبکم نماز می‌خواند می‌گوید الحمدلله این توفیق نماز شب بخاطر خدمتی است که به پدر و مادر کردیم همه این توفیق را ندارند ما خیلی خوشبختیم خیلی الحمدلله موفق هستیم این می‌شود حسنة تعجبک. یعنی این آقا اگر می‌رفت نعوذ بالله زنا می‌کرد آخر عمرش توبه می‌کرد بهتر بود؟ این محتمل نیست فقهیا. این خیر نسبی است. چطور الغیبة اشد من الزنا چطور اشد نسبی است. و الا هیچ فقیهی ملتزم شده اگر باب تزاحم شد، آمد یک آقایی گفت یا غیبت بکن از یک شخصی بگو امروز با خانمش دعوا کرد به او توهین کرد یا اگر این غیبت نکنی دختری را می‌آوریم باید با او زنا کنی. تو هم بگویی لعنت خدا بر شیطان الغیبة اشد من الزنا مرجحات باب تزاحم می‌گوید بروم زنا بکنم. یا حتی در آن روایتی که می‌گوید درهم ربا عندالله اشد من سبعین زنیة کلها بذات محرم بعضی از نقل‌ها دارد فی بیت الله این‌ها حیثی است. از حیث فأذنوا بحرب من الله است کما این‌که الغیبة اشد من الزنا حیثی است که روایت می‌گوید لانّ صاحبه یندم فیتوب و یتوب الله علیه و لکن صاحب الغیبة لایتوب حتی یستغفر له صاحبه. این‌ها اشد حیثی است. و الا کسی به همین درهم ربا ملتزم می‌شود که امر دائر است یک زنی فرض کنید پولش را بگذارد نزول بخورد یا برود زنا بدهد، اضطرار به جامع است، بعد بگویید مرجحات باب تزاحم می‌گوید که نه، درهم ربا عندالله اشد من سبعین زنیهة کلها بذات محرم. پس همان راه بدکاره‌ای و فساد را انتخاب کند، این محتمل است فقهیا؟ این‌ها حکم حیثی است. اینجا هم همین است.

صلی ام زنی این‌ها باید توجیه بشود و الا حکم مطلق نیست. این حکم مطلق نیست که بگوییم یعنی اگر یک مخالفی یا حتی یک ناصبی نماز بخواند یکی دیگه می‌رود زنا می‌کند، ما به آن زانی بگوییم که حالا فرقی نمی‌کند با این مصلی، هیچ فرق ندارید با هم. حالا اگر بگوییم هر دو گناه کردید منتها با اختلاف مراتب گناه این ممکن است ولی بگوییم سواء علیه صلی ام زنی این محتمل نیست. یک توجیه این است که بگوییم سواء علیه صلی او زنی یعنی این مستحق عذاب است به حالش فرقی نمی‌کند زنا هم بکند مستحق جهنم است نماز هم بخواند رفع جهنم نمی‌کند از او.

[سؤال: ... جواب:] نه، در اصل دخول فی النار. سواء علیه صلی ام زنی یعنی یدخل النار. او بخاطر نصبش یا بخاطر این‌که مخالف بودنش مستحق عذاب است البته اگر جاهل مقصر باشد نه جاهل قاصر. فرقی نمی‌کند نماز بخواند یا زنا بکند جهنم را می‌رود. مثل این‌که یک کسی محکوم به اعدام است قبلش مدام نماز می‌خواند مدام گریه می‌کند می‌گویند سواء علیه چه نماز بخوانی چه گریه بکنی چه عذر خواهی بکنی از این مامورین چه توهین بکنی یعنی فرقی نمی‌کند از حیث اعدام.

[سؤال: ... جواب:] شما وقتی که پسرت حج از طرف آن ناصبی بجا می‌آورد دیروز روایت را خواندید درست هم گفتید که یخفف عنه العذاب تخفیف عذاب می‌دهد بر این پدر. حالا یک پدر ناصبی است مرتکب حسناتی شده به فقراء رسیدگی کرده آن، تخفیف عذاب نمی‌دهد؟ سواء علیه چه برود صدقه بدهد به فقراء چه برود آدم می‌کشد؟ این‌که محتمل نیست.

پس برای این‌که مسلم است زنا و نماز سیان نیستند باید توجیه کنیم. یک توجیه همین است که عرض کردیم از حیث دخول در نار فرقی نمی‌کند به حال این ناصب یا مخالف که جاهل مقصر است نه قاصر.

[سؤال: ... جواب:] او هم می‌گوید:‌ مخالف اگر مقصر است می‌رود جهنم. شما فکر می‌کنید آقای زنجانی و آقای سیستانی که می‌گویند عبادت مخالف صحیح است جهنم نمی‌رود؟‌ آن‌ها هم می‌گویند اگر مقصر است جهنم است. در بهشت و جهنم رفتن که با بقیه فرق نمی‌کنند. فرقش این است که اگر نائب شد یک مخالفی در طواف از طرف یک شیعی، در ذبح از طرف شیعی برای ما که ذبح عمل نیابی است،‌ غسل داد میت را، کفن کرد میت را، نماز قضا خواند پول دادیم قرائت عربیش خیلی صحیح است گفتیم یک مقدار هم اضافه می‌دهیم تو را بخدا وضوء به طریقه شیعی بگیر در نمازت هم آمین نگو، گفت تو پول بده هر کاری بگویی می‌کنم. پول را گرفت و نماز را به طریقه شیعه خواند، این آقایان می‌گویند این نمازش مجزی است. مشهور بین متاخرین می‌گویند مجزی نیست. اختلاف سر این است. و الا سر قسمت جنت و نار که علی قسیم الجنة و النار. آن‌وقت موالی علی بهشت می‌رود مخالف علی که بهشت نمی‌رود. این‌که در روایات [آمده].

بله بعضی از روایات می‌گوید اگر این‌ها قاصر باشند یدخلهم الله الجنة برحمته. خب آن یک بحث دیگری است خدا تفضل می‌کند آنهم معلوم نیست همه قاصرین باشند. بعضی از قاصرینی که خیلی قاصر بودند مثل ام ایمن که دیروز مطرح شد که خدا به رحمتش این‌ها را به بهشت می‌برد. اما کسی نمی‌گوید این‌ها مستحق بهشت هستند. لم‌یکن له حق علی الله فی شیء من ثواب و لا کان من اهل الایمان.

توجیه دوم توجیهی است که ملاصالح مازندرانی کرده در جلد 12 شرح اصول کافی صفحه 184. می‌گوید اصل معصیت بودن، در اصل این‌که گناه هست نه در مراتب گناه مشترک است. نماز گناه است از مخالف؛ زنا هم گناه است از مخالف. بله گناه زنا خیلی بیشتر است ولی نماز او هم گناه است. برای این‌که بطلان عبادت اخلال به اجزاء و شرائط عبادت این معصیت است.

جوابش این است که اخلال به شرائط عبادت ترک واجب است. مگر دلیل داشته باشیم که غیر از ترک واجب عصیان هم هست مثل ریا یا نماز بی وضوء که روایت مسعدة بن صدقة می‌گفت یأخذه الارض خسفا. حالا شما ادعا می‌کنید نماز بی ولایت هم یک نماز باطلی است که مثل ریا مثل نماز بی وضوء هست در این حیث که مشترک هست با زنا نه در مرتبه گناه.

توجیه دیگر این است که بگوییم در حیث عدم امتثال امر. یعنی چطور زنا امتثال امر خدا نیست، نماز بی ولایت هم امتثال امر خدا نیست. از این حیث گفتند سواء صلی او زنی.

این، قرینه ندارد. برای این‌که سواء علیه صلی او زنی آن معنای اولیش که قابل التزام نیست؛ چون مساوی است مثل دو کفه ترازو. نماز بخواند یا زنا بکند. این معنا که محتمل نیست. وقتی این معنا محتمل نبود بقیه احتمالات مرجح ندارد. یک احتمال این است که ملاصالح مازندرانی گفت که هم ترک واجب است عبادت مخالف هم ارتکاب حرام ولی نه در حد زنا. یک احتمال دیگر این است بگوییم هر دو مساوی هستند در ترک امتثال امر خدا. احتمالی هم که ما می‌دهیم: هر دو مساوی هستند در این‌که موجب انقاذش از جهنم نمی‌شود. افانت تنقذ من فی النار؟ منقذش نیست از عذاب. این احتمالش هست. و لذا این روایت را هم ما نمی‌توانیم دلیل بگیریم بر بطلان عبادت مخالف.

از این بحث گذشتیم برمی گردیم به بحث حج.

کلام واقع می‌شود در مصرف هدی. عنوان بکنیم. مشهور گفتند مصرف هدی سه چیز است: یک مقدارش را خودش می‌خورد حاجی، یک مقدار را به فقراء می‌دهد، یک مقدار را به مؤمنین می‌دهد. دلیلش هم آیه قرآن است: فکلوا منها، می‌گویند امر ظهور دارد در وجوب، و اطعموا البائس الفقیر یا فکلوا منها و اطعموا القانع و المعترّ. آقای خوئی فرمودند الاحوط ان‌یؤتی ثلث الهدی الی الفقیر المؤمن صدقة و یؤتی ثلثه المؤمنین هدیة و ان‌یأکل من الثلث الباقی له. همه‌اش شد احتیاط واجب. برخی گفتند همه‌اش احتیاط مستحب است.

تامل بفرمایید ان‌شاءالله این بحث را دنبال می‌کنیم.